

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۲۰۰۹ / ۰۳ / ۱۵

فیصله استیناف

ای مسلمانان ببینین ، چه عجایب کار شد
قوه عدل و قضای مملکت مُردار شد
سرنوشت مردم بیچاره دست ناکسان
از رخ منحوس قاضی ، حرق و خرق استار شد
هر یکی از قاتلین و ، خائنین و ، مُفسدین
در لباس مُفتی و قاضی ، نمایاندار شد
نوجوان ژورنالیستی که نامش (کامبخش)
داخل زندان به حکم چند تن از مکار شد
چون غزال ، ناگهان افتاد ، چنگال وُحوش
طعمه گرگ و پلنگ و ببر و از گفتار شد
حکم استیناف صادر ، در حقش (بیست سال) قید
این قضاوت فیصله اسلام و ، نَز کُفار شد
شد جزای توزیع ، چند صفحه کاغذ (دار و حبس)
قتل و غارت ، افتخار رهبران هار شد
لیک جرم قاتل چندین هزاران بیگناه
صرف ، (نزده سال) ، زندانی نوکر دار شد

عقد ، با طفلِ صغیر و ، جنسبازی ، با کبیر
پیشة این رهبرانِ مُفسدِ غدار شد
خود به خلوت رفته صدها ، قتل و غارت می کنند
پرده ناموسِ میهن ، لکه دار و غار شد
می درند و ، می کُشند و ، وحشیانه می چَرند
زان سبب دارالقضا ، شتار و ، پُر نمار شد
تابه کی باشی چو گنگ و کور و کر ، ای هموطن
همتی ، کز خوابِ غفلت ، زودتر بیدار شد
پُر (یتیم) و (بیوه) و (معیوب) گشته مملکت
(کامبخش) و (غوثِ زلمی) ها بسی بسیار شد
این چه قانونست ، ای مردم ! بپا خیزید ، کل
ورنه دورانِ جهالت در وطن تکرار شد
حال عصرِ عقل و منطق است و نه وهم و ظنون
با خرد ، آسان هر مشکل ، چون گل و نه خار شد
(نعمتا) هر آنکه حق گوید ، سزایش ، دار و حبس
ورنه (ننگ) و (غیرت) و (همت) ، فرازِ دار شد